

پژوهش های تجربی حسابداری مالی

(علمی - تخصصی)

سال دوم، شماره ۱، پیاپی (۳) بهار ۱۳۹۱، صص ۲۸-۵۲

## بررسی اثر ویژگی های فردی حساب رسان در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب\*

دکتر امید پورحیدری

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

سعید بذرافشان

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

### چکیده

هدف این مطالعه، بررسی تأثیر ویژگی های فردی (نظیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه) در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر قلب است. برای دستیابی به این هدف، نظر حساب رسان در مورد اهمیت هر یک از بسترهای خطر قلب که در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴ ایران ذکر شده است مورد سؤال قرار گرفته شد. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه کتبی بوده و روایی و پایایی آن تأیید شده است. نتایج بررسی نشان داد که نوع جنسیت، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات و میزان تجربه حساب رسان تأثیر چندانی در تعیین میزان اهمیت بسترهای خطر قلب ندارد. علاوه بر این، تأثیر ویژگی های فردی اشخاص در ارزیابی اهمیت هر گروه از بسترهای خطر قلب (نظیر ویژگی های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی، وضعیت صنعت، ویژگی های عملیاتی و ثبات مالی و سوء استفاده از دارایی ها) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که نوع جنسیت، تنها در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر قلب مربوط به گروه های "ویژگی های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی" و "ویژگی های عملیاتی و ثبات مالی" اثری معنادار دارد، اما رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه، در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر هیچ یک از ۴ گروه دیگر، اثری معنادار ندارد.

### واژگان کلیدی

ویژگی های فردی، حساب رس، بسترهای خطر قلب

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۱/۱۶

## ۱- مقدمه

سیستم گزارشگری مالی همواره در جلب اعتماد عمومی با بحران‌هایی مواجه بوده است. افزایش شمار تقلب‌ها و تجدید ارائه صورت‌های مالی که اغلب با ورشکستگی شرکت‌های بزرگ همراه است، نگرانی‌هایی را در مورد صورت‌های مالی به وجود آورده است. به همین جهت، پیشگیری یا کشف تقلب‌های بااهمیت در صورت‌های مالی همواره کانون توجه سرمایه‌گذاران، مدیران و حساب‌برسان بوده است (راموس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳، ۲۸).

تقلب، یک بازی راهبردی میان مدیران و حساب‌برسان است. هرچقدر حساب‌برسان در روش‌های کشف تقلب قوی‌تر شوند و بتوانند به صورتی اثربخش پرده از تقلب‌های مالی بردارند، مدیران نیز آرام نمی‌نشینند و شیوه‌های جدیدی را برای تقلب برمی‌گزینند. بنابراین، آنچه در موفقیت حساب‌برسان ممکن است اثر گذار باشد، از ویژگی‌هایی فردی مانند تجربه، رشته تحصیلی و سطح تحصیلات آنها نشأت می‌گیرد.

مؤسسات بین‌المللی حسابداری و حسابرسی، انجمن‌های تخصصی و اندیشمندان علمی این رشته در سراسر دنیا، اصول روش‌ها و استانداردهای خاصی را برای کمک و راهنمایی به حساب‌برسان منتشر کرده‌اند. بسترهای خطری که در این استانداردها ذکر شده است به عنوان رهنمودی برای حساب‌برسان مستقل و داخلی، در پیشگیری و کشف تقلب و گزارشگری مالی متقابلانه است.

با توجه به اهمیت کار حساب‌برسان در اعتباربخشی به صورت‌های مالی شرکت‌ها و نقش اساسی آن‌ها در کشف تحریفات بااهمیت، همان‌طور که گفته شد، ویژگی‌های فردی حساب‌برسان (نظیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه) ممکن است عملکرد آنها را در کشف و شناسایی تحریفات بااهمیت تحت تاثیر قرار دهد. در این تحقیق، برای بررسی اثر ویژگی‌های فردی حساب‌برسان در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب، از بسترهای خطر تقلب ذکر شده در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴ استفاده می‌شود.

## ۲- بیان مسئله

شخصیت از ریشه لاتین واژه "پرسونا"<sup>۲</sup> گرفته شده است. این کلمه به معنی نقاب و ماسک است و اشاره به ماسک و نقابی دارد که بازیگران یونان و روم قدیم بر چهره می‌گذاشتند. شخصیت به همه خصوصیات و ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که معرف رفتار یک شخص است. ویژگی‌های فردی افراد مانند سطح تحصیلات، سن، جنسیت و ... ارتباطی تنگاتنگ با شخصیت افراد دارد و علاوه بر تأثیرگذاری بر آن، از آن نیز تأثیر

می‌پذیرد و به همین دلیل این دو واژه معادل یکدیگر نیز بکار می‌روند (امین زاده، ۱۳۹۰: ۲۵).

اشخاص از جهت‌های بسیاری با هم متفاوت‌اند. ممکن است انسان‌ها از نظر زیستی تقریباً شبیه یکدیگر باشند، ولی هیچ‌گاه دو نفر کاملاً شبیه هم نیستند (امین زاده، ۱۳۹۰: ۲۷). افراد در روش فکر کردن، تشریح محیط و چگونگی واکنش در برابر محیط، منحصر به فرد هستند، یعنی انسان‌ها ویژگی‌هایی دارند که در مجموع هستی آنها را تشکیل می‌دهد و این ویژگی‌های فردی ممکن است بر رفتار و عملکرد آنها مؤثر باشد. از جمله ویژگی‌هایی که ممکن است رفتار و عکس‌العمل افراد را تحت تأثیر قرار دهد ویژگی‌هایی مانند سطح تحصیلات، جنسیت و رشته تحصیلی است.

با توجه به اهمیت کار حساب‌برسان در اعتباربخشی به صورت‌های مالی، ویژگی‌های فردی حساب‌برسان ممکن است عملکرد آنان را در شناسایی تحریفات بااهمیت تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به اهمیت این موضوع، این مطالعه به بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی حساب‌برسان در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر تقلب می‌پردازد. با شناخت تأثیر ویژگی‌های فردی حساب‌برسان در تعیین میزان اهمیت بسترهای خطر تقلب، مدیران مؤسسات حسابرسی می‌توانند با دید بهتری اقدام به تخصیص نیرو برای انجام عملیات حسابرسی کنند.

بنا به دلایل مختلف عموماً ارکان اداره کننده بنگاه‌های اقتصادی تحریفات عمدی یا سهوی انجام می‌دهند. زمینه وقوع این تحریفات ممکن است ناشی از وجود بسترهای مناسب برای وقوع تقلب در بنگاه اقتصادی باشد. بسترهای متعدد خطر تقلب در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴ ایران (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۵: ۲۸۰) ذکر شده است. به دلیل زیاد بودن تعداد این بسترها، ممکن است حساب‌برسان به خاطر ویژگی‌های فردی متفاوت، در تشخیص میزان اهمیت و نهایتاً ارزیابی آنها اتفاق نظر نداشته باشند که این موضوع ممکن است برای حرفه حسابرسی خطرساز باشد. به عبارت دیگر، برداشت‌های متفاوت حساب‌برسان از اهمیت بسترهای خطر تقلب ممکن است احتمال شناسایی تحریفات و نهایتاً موفقیت حسابرسی را کاهش دهد.

با توجه به مطالب فوق، این سؤال مطرح می‌شود که آیا واقعاً ویژگی‌های فردی حساب‌برسان (نظیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه) ممکن است عاملی اثرگذار در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب باشد؟ به منظور دستیابی به پاسخ این سؤال، در این تحقیق به بررسی اثر ویژگی‌های فردی حساب‌برسان در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب ذکر شده در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴ ایران پرداخته می‌شود.

### ۳- پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی (مانند تحقیقات: شیخ<sup>۱۳۸۳</sup>)، سنجابی<sup>۱۳۸۴</sup>)، فرقاندوست و برواری<sup>۱۳۸۸</sup>)، فرقاندوست و عبدالهی<sup>۱۳۸۷</sup>)، لوب‌بک و ویلینگهام<sup>۲</sup> (۱۹۸۸)، لوب‌بک و همکارانش<sup>۴</sup> (۱۹۸۹)، پینکوس<sup>۵</sup> (۱۹۸۹)، زیملمن<sup>۶</sup> (۱۹۹۷)، عبدالمجید و همکارانش<sup>۷</sup> (۲۰۰۱)، گراملینگ و مایرز<sup>۸</sup> (۲۰۰۳)، مویزگلن و همکارانش<sup>۹</sup> (۲۰۰۶)، مویزگلن<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۷)، ریچارد ریلی<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۸)، واندا لین ریلی<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۸)، دنیس<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۹) و ... ) در حوزه تهیه فهرست از مهم‌ترین بسترهای خطر تقلب در داخل و خارج از کشور انجام شده است، اما تعداد اندکی از این تحقیقات در کنار هدف اصلی خود (دستیابی به مهم‌ترین بسترهای خطر تقلب)، به بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی بر تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب پرداخته‌اند.

حامدیان (۱۳۸۸)، به بررسی تفاوت برداشت حسابرسان داخلی و مستقل در خصوص کارایی ۳۶ علامت خطر استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ برای کشف گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. نتایج نشان داد که تجربه کاری، شرکت در سمینارها، آموزش درون‌سازمانی، جنسیت و رشته تحصیلی در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب استاندارد شماره ۹۹ امریکا اثر معناداری ندارد، اما عواملی مانند آشنایی با علائم خطر تقلب و سطح تحصیلات، اثری معنادار بر تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب توسط حسابرسان مستقل دارد.

هاکن‌بریک<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۳) در تحقیقی درباره کشف تقلب به این نتیجه دست یافت که با توجه به اینکه اکثر تقلب‌ها را پنهان می‌کنند، به حسابرسان مجرب‌تری نیاز است که مهارت لازم برای استفاده صحیح از علائم خطر در رویارویی با تقلب و کشف آن را داشته باشند. گراملینگ و مایرز (۲۰۰۳)، برداشت حسابرسان داخلی از علائم خطر را با توجه به ۴۳ علامت خطر، در سه گروه طبقه‌بندی کردند: انگیزه و فشار، فرصت و گرایش، و توجه. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد علائم خطری که بیشترین اهمیت را دارند، علائم وابسته به گرایش‌ها و توجه‌ها هستند.

مویزگلن و همکاران (۲۰۰۶)، برای انجام تحقیق خود از حسابرسان داخلی خواستند که با توجه به علائم خطر استاندارد شماره ۹۹، برداشت خود را از کارایی علائم خطر در کشف گزارشگری متقلبانه بیان کنند. علاوه بر این، مویزگلن (۲۰۰۷) در تحقیقی دیگر به بررسی تفاوت برداشت حسابرسان داخلی و مستقل از کارایی علائم خطر استاندارد شماره ۹۹ برای کشف تقلب پرداخت. از نظر حسابرسان داخلی، تجربه حسابرسی داخلی به طور مستقیم بر روی درک اشخاص از علائم خطر تأثیرگذار است. علاوه بر این، نتایج نشان داد

که حساب‌برسان زن بیشتر از حساب‌برسان مرد اهمیت علایم خطر مورد بررسی در تحقیق را می‌دانند.

دنيس (۲۰۰۹)، در پژوهشی تحت عنوان "حساب‌رسی برای تقلب"، دلایلی که باعث ناتوانی حساب‌برسان در کشف تقلب می‌شود را به شرح زیر عنوان کرد:

اصولی اجرا نکردن روش‌ها، رویه‌ها و مراحل حساب‌رسی؛ بررسی نکردن آن نواحی که دارای ریسک بالا بوده، به‌خصوص اگر از نظر مبلغ بی‌اهمیت باشند؛ نامناسب و ناکافی بودن بودجه‌بندی زمانی؛ نداشتن آموزش کافی برای شناسایی شاخص‌های تقلب (علایم خطر) به وسیله حساب‌برسان.

با توجه به مطالبی که در بالا آمد، مشخص می‌شود که تحقیقات اندکی در حوزه تعیین عوامل اثرگذار رفتاری و شخصیتی بر ارزیابی اهمیت بسترهای خطر تقلب انجام گرفته است. به همین دلیل، در تحقیق حاضر اثر تعدادی از ویژگی‌های فردی حساب‌برسان نظیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه کاری در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۴- فرضیه‌های پژوهش

همان‌طور که در بخش مقدمه ذکر شد، هدف اصلی این تحقیق پاسخگویی به این سؤال است که آیا واقعاً ویژگی‌های فردی حساب‌برسان نظیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه ممکن است عاملی اثرگذار در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب باشد؟ برای پاسخ به سوال ذکر شده، در این تحقیق دو فرضیه زیر را می‌توان مطرح کرد:

فرضیه اول: ویژگی‌های فردی حساب‌برسان (شامل جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه کاری) اثر معناداری در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب ذکر شده در استاندارد حساب‌رسی شماره ۲۴ ایران دارد.

فرضیه دوم: ویژگی‌های فردی حساب‌برسان (مانند جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه کاری) اثر معناداری در تعیین اهمیت هر گروه از بسترهای خطر تقلب ذکر شده در استاندارد حساب‌رسی شماره ۲۴ ایران (یعنی ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی، وضعیت صنعت، ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی و سوء استفاده از دارایی‌ها) دارد.

## ۵- روش تحقیق

### ۵-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل حسابرسان شاغل است، یعنی کلیه افرادی که به عنوان حسابرس در مؤسسات حسابرسی فعالیت می‌کنند. به خاطر اینکه از تعداد افراد جامعه آماری اطلاعات دقیقی وجود ندارد. در این تحقیق برای محاسبه حجم نمونه از فرمول آماری کوکران استفاده شده است. در سطح معناداری ۵ درصد، حجم نمونه طبق این فرمول ۳۸۴ تعیین شد.

برای حذف تعدیلات وارده بر واریانس ناشی از انتخاب پیشینه و کمینه طیف لیکرت، بین حسابرسان تعداد ۴۶۰ پرسشنامه به صورت حضوری توزیع شد که ۳۱۶ پرسشنامه قابل قبول جمع‌آوری شد.

### ۵-۲- ابزار اندازه‌گیری تحقیق

تحقیق حاضر، از نوع تحقیقات پیمایشی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه کتبی است که اعتبار ساختاری و محتوایی آن به تأیید رسیده است. در ابتدا با توجه به ادبیات نظری، تحقیقات قبلی و بسترهای خطر تقلب ذکر شده در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴ ایران، پرسشنامه مقدماتی تهیه شد، سپس پرسشنامه مقدماتی بین ۱۵ نفر از حسابرسان مؤسسات حسابرسی و ۸ نفر از استادان حسابداری توزیع شد و از آنان خواسته شد تا اگر توصیه‌ایی در ارتباط با سؤالات مطرح شده دارند، پیشنهاد کنند. این توصیه‌ها دریافت و در پرسشنامه نهایی منظور شد. پرسشنامه نهایی دارای یک نامه همراه و دو بخش اصلی بود. در نامه همراه، موضوع تحقیق و اهمیت آن ذکر شده بود و به پاسخ دهندگان اطلاع داده شده بود که نتایج صرفاً در قالب اطلاعات آماری گزارش خواهد شد.

بخش اول به اطلاعات جمعیت‌شناسی اختصاص داشت که در ارتباط با جنسیت، سطح تحصیلات، رشته تحصیلی و میزان تجربه حسابرسی پرسش‌شوندگان بود. بخش دوم پرسشنامه مربوط به سؤالات تخصصی بود. در این بخش، ۶۱ بستر تقلب فهرست شد که غالب این بسترها در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴ ایران ذکر شده است. پاسخ پرسش‌شوندگان نسبت به اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب بر اساس طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت (بسیار بااهمیت، نسبتاً بااهمیت، بااهمیت، بینابین، کم اهمیت، نسبتاً کم اهمیت، بسیار کم اهمیت) درجه‌بندی شد. با توجه به اینکه بسترهای خطر تقلب مذکور در استاندارد حسابرسی ایران در ۴ گروه طبقه‌بندی شده‌اند، در تحقیق حاضر نیز این بسترها در ۴ گروه به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند: ۱- ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط

کنترلی ۲- وضعیت صنعت - ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی ۴- سوء استفاده از دارایی‌ها.

همان‌طور که در بخش جامعه و نمونه آماری تحقیق ذکر شد، تعداد ۴۶۰ پرسشنامه بین حساب‌برسان توزیع و در دو نوبت جمع‌آوری شد. با توجه به سؤالات دروغ‌یاب، ۳۱۶ پرسشنامه قابل قبول دریافت شد. اطلاعات مربوط به توزیع پرسشنامه‌ها و دریافت آنها در نگاره‌ی ۱ آورده شده است.

نگاره‌ی ۱: اطلاعات مربوط به توزیع و دریافت پرسشنامه‌ها

درصد	تعداد	شرح
۱۰۰	۴۶۰	پرسشنامه‌های توزیع شده
۷۳	۳۳۷	کل پرسشنامه‌های برگشتی
۳۳	۱۵۲	نوبت اول
۴۰	۱۸۵	نوبت دوم
۶۷	۳۱۶	پرسشنامه‌های قابل قبول برگشتی
۲۷	۱۲۳	پرسشنامه‌های برگشت داده نشده

### ۵-۳- پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری

پایایی یا قابلیت اطمینان، با این امر سروکار دارد که اگر ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه) در موقعیت‌های کاملاً یکسان و در فواصل زمانی کوتاه به کار برده شود، نتایج به دست آمده تقریباً یکسان خواهد شد. در این تحقیق برای آزمون ثبات نتایج اندازه‌گیری، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای آزمون محدود برابر با ۰,۹۵۹ و برای پرسشنامه‌های دریافت شده از حساب‌برسان برابر با ۰,۹۴۲ شد. این ضرایب نشان می‌دهد که پرسشنامه پایایی مناسبی دارد. روایی به این معنی است که ابزار اندازه‌گیری در انجام پژوهش تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. در تحقیق حاضر، روایی از دو دیدگاه محتوا و ساختار مورد آزمون قرار گرفته است.

یکی از نارسایی‌های پرسشنامه، تأثیر بالقوه پرسشنامه‌های پاسخ داده نشده است که ممکن است سبب آلودگی نتایج تحقیق شود. برای مقابله با این احتمال، از روش مقایسه تطبیقی پاسخ‌ها به پرسشنامه‌های مختلف استفاده شده است.

#### ۴-۵- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش‌های آماری آزمون T و تحلیل واریانس استفاده شده است.

#### ۶- یافته‌های تحقیق

##### ۶-۱- رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب بر اساس اهمیت آن‌ها

همان‌طور که گفته شد پرسشنامه‌های توزیع شده حاوی ۶۱ بستر تقلب بود که نظر حسابرسان نسبت به اهمیت آن‌ها بر اساس طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل از ارزیابی اهمیت بسترهای خطر تقلب، در نگاره‌ی ۲ مشاهده می‌شود. در این نگاره، بسترهای خطر تقلب بر اساس معیار میانگین از بااهمیت‌ترین به کم‌اهمیت‌ترین رتبه‌بندی شده‌اند. به عنوان مثال، بستر تقلبی با عنوان (( وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد )) با توجه به اینکه میانگین پاسخ داده شده به آن از سایر بسترهای خطر تقلب بیشتر و برابر با ۶,۰۹ است، می‌توان ادعا کرد این بستر مهمترین بستر تقلب از بین ۶۱ بستر تقلب مورد بررسی در این تحقیق است.



نگاره‌ی ۲: رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب

رتبه	رتبه	بستر خطر تقلب	وزن	رتبه
۱	۱	وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد.	۱.۴۰	۶.۰۹
۲	۲	وجود محدودیت به گونه‌ای که دسترسی حسابرس را به افراد یا اطلاعات بسیار محدود سازد.	۱.۲۱	۵.۹۲
۳	۳	تحمیل محدودیت در دامنه کار حسابرسی توسط مدیریت، مثلاً ممانعت از دسترسی او به اشخاص و اطلاعات.	۱.۶۳	۵.۸۶
۴	۴	حفاظت ضعیف فیزیکی از وجوه نقد، اوراق بهادار، موجودی مواد و کالا یا دارایی‌های ثابت.	۱.۶۰	۵.۸۰
۵	۵	عدم نظارت کافی مدیریت بر کنترل‌های داخلی بااهمیت.	۱.۵۴	۵.۷۴
۶	۶	معاملات عمده و غیرعادی که در اواخر سال مالی انجام شده است.	۱.۶۳	۵.۷۲
۷	۷	معاملاتی که طبق مجوز کلی یا خاص مدیران ثبت نشده است.	۱.۷۰	۵.۶۹
۸	۸	اختیارات بیش از اندازه (غیرعادی) مدیران.	۱.۲۵	۵.۶۹
۹	۹	معاملات بدون شواهد کافی و معتبر.	۱.۶۵	۵.۶۳
۱۰	۱۰	سهل‌انگاری مدیریت در اصلاح به موقع ضعف‌های بااهمیت شناخته شده در سیستم کنترل داخلی.	۱.۴۸	۵.۶۰
۱۱	۱۱	علاقه شدید مدیریت به حفظ یا افزایش سطح قیمت سهام یا روند سودآوری.	۱.۹۲	۵.۵۵
۱۲	۱۲	تسلط فرد یا گروهی کوچک بر مدیریت بدون وجود کنترل‌هایی مانند نظارت سطوح بالاتر از مدیریت.	۱.۶۴	۵.۵۲
۱۳	۱۳	معاملات عمده با اشخاص وابسته که در جریان عادی عملیات واحد مورد رسیدگی، انجام نشده است.	۲.۱۲	۵.۵۱
۱۴	۱۴	سوابق حسابداری کاملاً ناقص یا ناکافی.	۱.۵۴	۵.۴۵
۱۵	۱۵	قراردادهای متعدد یا غیرعادی، بدون هدف تجاری مشخص.	۱.۹۹	۵.۴۰
۱۶	۱۶	نبود سیستم مناسب صدور مجوز و تصویب معاملات (برای مثال، در خرید).	۱.۴۱	۵.۳۹
۱۷	۱۷	بی‌میلی مدیریت نسبت به گزارشگری صادقانه به اشخاص ثالث ذیربط، مانند بانک‌ها و اداره دارایی.	۱.۷۳	۵.۳۸
۱۸	۱۸	نگه‌نداشتن سوابق کافی برای دارایی‌های آسیب‌پذیر در برابر سوء استفاده.	۱.۷۱	۵.۳۸
۱۹	۱۹	خطر ورشکستگی قریب الوقوع، ضبط اموال در رهن.	۱.۹۱	۵.۳۵

نگاره‌ی ۲: رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب (ادامه)

رتبه	گروه	بستر خطر تقلب	واریانس	رتبه‌بندی
۲۰	۱	تمایل مدیریت به استفاده از روش‌ها و ابزارهای نامناسب برای به حداقل رساندن سود مشمول مالیات.	۱.۷۴	۵.۳۴
۲۱	۱	شناسایی موضوعات بااهمیتی که بیشتر توسط مدیریت افشا نشده است.	۱.۶۵	۵.۳۳
۲۲	۱	استفاده مداوم از کارکنان ناکارآمد در بخش‌های حسابداری، فناوری اطلاعات یا حسابرسی داخلی.	۱.۵۱	۵.۳۲
۲۳	۴	ویژگی‌های دارایی‌های ثابت، مانند اندازه کوچک اما دارای بازار فروش، بدون نیاز به مدارک رسمی مالکیت.	۲.۰۱	۵.۳۱
۲۴	۴	دارایی‌های با قابلیت تبدیل آسان، مانند اوراق بهادار سریع معامله، طلا و جواهرات	۱.۹۶	۵.۲۸
۲۵	۴	عدم تهیه مستندات مناسب و به موقع برای معاملات (برای مثال، مستندسازی کالاهای برگشتی).	۱.۷۰	۵.۲۵
۲۶	۳	معاملات عمده با اشخاص وابسته که حسابرسی نمی‌شود یا توسط حسابررس دیگری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.	۱.۹۹	۵.۲۳
۲۷	۳	رشد سریع یا سودآوری غیرعادی، به ویژه در مقایسه با رقبای.	۱.۹۰	۵.۲۱
۲۸	۱	تغییرات زیاد مدیران سطوح مختلف.	۱.۹۰	۵.۲۰
۲۹	۱	وعده‌های بلندپروازانه یا مبتنی بر پیش‌بینی‌های غیر واقع‌بینانه مدیریت به اشخاص ثالث.	۲.۲۱	۵.۱۹
۳۰	۳	تفاوت‌های عمده بین نتایج واقعی و نتایج مورد انتظار به دست آمده از بررسی‌های تحلیلی.	۱.۹۸	۵.۱۸
۳۱	۳	نبود تفکیک مناسب وظایف یا کنترل‌های مستقل.	۱.۸۰	۵.۱۷
۳۲	۳	کنترل ناکافی بر پردازش رایانه‌ای اطلاعات (مثلاً اشتباهات یا تأخیرهای زیاد در ثبت اطلاعات در سیستم کامپیوتری).	۲.۱۳	۵.۱۲
۳۳	۱	ایجاد محدودیت زمانی غیرمنطقی برای تکمیل حسابرسی یا صدور گزارش حسابرسی.	۲.۲۱	۵.۱۲
۳۴	۴	نبود روش‌های مناسب برای گزینش کارکنانی که به دارایی‌های آسیب‌پذیر در برابر سوءاستفاده دسترسی دارند.	۱.۸۵	۵.۰۵

نگاره‌ی ۲: رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب (ادامه)

رتبه	گروه	بستر خطر تقلب	رتبه‌بندی	رتبه‌بندی
۳۵	۱	مشارکت گسترده مدیران غیرمالی در به کارگیری استانداردهای حسابداری یا تعیین برآوردهای حسابداری.	۱.۹۳	۵.۰۵
۳۶	۱	ارائه اطلاعات، با اکراه یا تأخیر غیرمنطقی.	۱.۵۸	۵.۰۴
۳۷	۳	برخلاف وضعیت مالی ضعیف یا رو به وخامت، مدیریت شخصاً بدهی‌های عمده شرکت را تضمین کرده باشد.	۱.۹۱	۴.۹۸
۳۸	۴	ویژگی‌های موجودی مواد و کالا مانند اندازه کوچک، ارزش بالا و تقاضای زیاد.	۲.۴۶	۴.۹۳
۳۹	۳	مغایرت‌های عمده بین حساب‌های کل و معین.	۲.۵۴	۴.۹۲
۴۰	۱	بی‌توجهی زیاد مدیریت به مراجع قانونی.	۱.۶۳	۴.۸۶
۴۱	۴	نگهداری یا گردش وجه نقد به میزان بسیار.	۲.۲۷	۴.۸۳
۴۲	۳	وجود اقلام عمده در برخی از حساب‌ها که حسابرسی آن مشکل است.	۲.۲۴	۴.۸۲
۴۳	۳	مانده حساب‌ها و اسناد دریافتی که مدت زیادی از سررسید آن گذشته است.	۲.۱۱	۴.۸۱
۴۴	۱	اختلاف نظرهای فراوان با حساب‌برس فعلی یا قبلی درباره مسائل حسابداری، حسابرسی یا گزارشگری.	۱.۹۳	۴.۸۰
۴۵	۳	دشواری در تعیین سازمان، فرد یا افراد کنترل کننده واحد مورد رسیدگی.	۱.۹۸	۴.۸۰
۴۶	۳	وابستگی زیاد و غیرعادی به تسهیلات دریافتی و توانایی اندک در برآوردن الزامات بازپرداخت بدهی‌ها.	۲.۴۰	۴.۷۹
۴۷	۳	پیامد منفی معاملات عمده در شرف انجام در نتیجه عملکرد ضعیف مالی، مانند ترکیب تجاری یا انعقاد قرارداد.	۲.۱۵	۴.۷۷
۴۸	۱	شواهد نشان دهنده ریخت و پاش بیش از حد در سطح زندگی مدیران یا کارکنان.	۲.۷۰	۴.۷۶
۴۹	۲	الزامات جدیدی که ممکن است ثبات مالی یا سودآوری واحد مورد رسیدگی را خدشه‌دار کند.	۲.۰۱	۴.۷۰
۵۰	۳	آسیب‌پذیری زیاد و غیرعادی واحد مورد رسیدگی در برابر تغییرات.	۲.۴۷	۴.۶۸
۵۱	۳	ناتوانی در ایجاد جریان وجه نقد ناشی از عملیات، با وجود گزارش سود و رشد سود.	۱.۹۹	۴.۶۲

نگاره‌ی ۲: رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب (ادامه)

رتبه	گروه	بستر خطر تقلب	رتبه	رتبه
۵۲	۳	ساختار سازمانی بسیار پیچیده، شامل شخصیت‌های حقوقی متعدد یا غیرعادی.	۲.۲۲	۴.۵۹
۵۳	۳	فشار بر شرکت با توجه به وضعیت مالی آن، برای انجام سرمایه‌گذاری مجدد برای باقی ماندن در بازار رقابت.	۲.۲۲	۴.۵۳
۵۴	۱	پافشاری غیرمنطقی در به کارگیری استانداردهای حسابداری برنامه‌های بلندپروازانه و دست نیافتنی.	۳.۳۸	۴.۵۳
۵۵	۱	برنامه‌های بلندپروازانه و دست نیافتنی.	۲.۰۰	۴.۵۱
۵۶	۲	صنعت رو به افول، همراه با افزایش ورشکستگی‌های تجاری در آن صنعت و کاهش عمده تقاضای مشتریان.	۲.۵۵	۴.۴۳
۵۷	۳	عملیات واحدهای فرعی واقع در مناطق غیرمشمول مالیات که به نظر نمی‌رسد توجیه اقتصادی داشته باشد.	۲.۳۲	۴.۴۰
۵۸	۲	سرعت تغییرات در صنعت، مانند آسیب‌پذیری بالا در مقابل تغییر سریع فناوری یا ناباب شدن سریع محصول.	۲.۴۲	۴.۳۸
۵۹	۲	وجود رقابت شدید یا اشباع بازار همراه با روند نزولی حاشیه سود.	۲.۴۵	۴.۳۴
۶۰	۱	تعیین اهداف مالی و انتظارات بلندپروازانه برای کارکنان اجرایی	۱.۷۰	۴.۳۳
۶۱	۱	نبود مرخصی‌های اجباری برای کارکنان مسؤل کنترل‌های کلیدی	۲.۸۶	۳.۹۱

با توجه به اینکه بسترهای خطر تقلب طبق استاندارد حسابرسی ایران در ۴ گروه طبقه‌بندی شده‌اند، در تحقیق حاضر نیز این بسترها در ۴ گروه طبقه‌بندی می‌شوند: ۱. ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی ۲. وضعیت صنعت ۳. ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی ۴. سوء استفاده از دارایی‌ها. در نگاره‌ی ۲ در ستونی به نام "گروه" برای هر بستر تقلب عددی بین ۱ تا ۴ درج شده است، به عنوان مثال، درج شدن عدد ۱ در ستون گروه برای بستر تقلبی با عنوان ((وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد))، به این معنی است که این بستر تقلب در گروه ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) قرار می‌گیرد.

۶-۲- اثر نوع جنسیت حسابربان در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر قلب  
حسابربان از نظر جنسیت به دو دسته مرد و زن تفکیک می‌شوند. مطابق آنچه در نگاره‌ی ۳ مشاهده می‌شود، میانگین پاسخ مردها و زن‌ها در ارزیابی اهمیت ۶۱ بستر قلب به ترتیب ۵,۱ و ۵,۲۱ است. با توجه به اینکه سطح معناداری، ۰,۲۴ شد، می‌توان ادعا کرد جنسیت، اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب ندارد. بالاتر بودن میانگین پاسخ زن‌ها در ارزیابی خطر قلب ممکن است ناشی از توجه زن‌ها به جزئیات و طبیعت محتاط آنها باشد. علی‌رغم وجود تفاوت در میانگین پاسخ‌ها، نتایج حاصل از آزمون‌های آماری بیانگر این است که این تفاوت معنادار نیست. این نتایج با یافته‌های تحقیق حامدیان (۱۳۸۸) هماهنگی کامل دارد.

نگاره‌ی ۳: اثر نوع جنسیت در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر قلب

ویژگی فردی	طبقه‌بندی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
جنسیت	مرد	۲۲۹	۵,۱۰	۰,۷۰	۱,۳۹	۰,۲۴
	زن	۸۷	۵,۲۱	۰,۶۹		

در نگاره‌ی ۳، به طور یکجا به بررسی اثر جنسیت در تعیین اهمیت تمامی بسترهای خطر قلب پرداخته شد. برای بررسی بهتر اثر جنسیت در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب، بسترهای خطر قلب در ۴ گروه که قبلاً ذکر شد دسته‌بندی گردید و اثر جنسیت در تعیین اهمیت هر گروه از بسترهای خطر قلب مورد بررسی قرار گرفت.  
در نگاره‌ی ۴، نتایج حاصل از آزمون اثر نوع جنسیت در تعیین اهمیت هر گروه از بسترهای خطر قلب نشان داده شده است. نتایج نشان داد میانگین پاسخ‌های مردان و زنان در ارزیابی ۲۵ بستر قلب مربوط به گروه ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) به ترتیب برابر با ۵,۱ و ۵,۲۵ است. با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با ۰,۰۱۳ شد، می‌توان ادعا کرد نوع جنسیت در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب مربوط به گروه ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) اثری معنادار دارد. دلیل این امر ممکن است این باشد که ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) به توانایی‌ها و تنگناها، طرز کار و نگرش مدیریت در مورد سیستم کنترل داخلی و فرآیند گزارشگری مالی مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، بین دو جنسیت مرد و زن از لحاظ طبیعت روحی و عاطفی در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر قلب مذکور تفاوت زیادی وجود دارد.

نگاره ۴: اثر نوع جنسیت در ارزیابی اهمیت هر گروه از بسترهای تقلب

گروه	تعداد بستر	مرد	زن	تقلب	مطلوبه	سطح معناداری
ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی	۲۵	مرد	۵,۱۰	۰,۴۹۵	-۲,۶۸۲	۰,۰۱۳
		زن	۵,۲۵	۰,۵۹۷		
وضعیت صنعت	۴	مرد	۵,۰۲	۰,۰۶۲	-۱,۷۹	۰,۱۷۱
		زن	۵,۲۱	۰,۲۱۸		
ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی	۲۴	مرد	۵,۰۴	۰,۳۹۴	-۲,۷۰۲	۰,۰۱۳
		زن	۵,۱۹	۰,۵۳۸		
سوء استفاده از دارایی‌ها	۸	مرد	۵,۰۲	۰,۵۹۹	۰,۲۶۵	۰,۷۹۹
		زن	۴,۹۹	۰,۵۸۸		

مطابق آنچه در نگاره ۴ مشاهده می‌شود، برای ۴ بستر تقلبی که در گروه ((وضعیت صنعت)) قرار دارند به دلیل اینکه سطح معناداری برابر با ۰,۱۷۱ شد می‌توان ادعا کرد نوع جنسیت در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب مربوط به گروه ((وضعیت صنعت)) اثری معنادار ندارد. این نتیجه ممکن است به این دلیل باشد که بسترهای خطر تقلب مربوط به "وضعیت صنعت" با محیط اقتصادی و قانونی که واحد اقتصادی در آن فعالیت می‌کند مرتبط است. به عبارت دیگر، ویژگی جنسیتی افراد، ارتباطی با ویژگی بسترهای خطر این گروه ندارد تا انتظار رود اثری بااهمیت نیز داشته باشد.

نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان داد نوع جنسیت در تعیین اهمیت ۲۴ بستر تقلبی که مربوط به گروه ((ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی)) می‌شود، به دلیل اینکه سطح معناداری برابر با ۰,۰۱۳ شد، اثری معنادار دارد. این نتیجه ممکن است به این دلیل باشد که بسترهای خطر مربوط به ((ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی)) به ماهیت، پیچیدگی واحد مورد رسیدگی و معاملات آن، شرایط مالی و سودآوری واحد مورد رسیدگی مربوط می‌شود، به همین دلیل ویژگی جنسیتی افراد ممکن است در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر مذکور اثرگذار باشد.

در تعیین اهمیت ۸ بستر تقلب متعلق به گروه ((سوء استفاده از دارایی‌ها))، به دلیل اینکه سطح معناداری ۰,۷۹۹ شد، می‌توان ادعا کرد نوع جنسیت در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب اثری معنادار ندارد. بسترهای خطر تقلب این گروه به ماهیت دارایی‌های واحد مورد

رسیدگی و میزان سرقت‌پذیری آنها مرتبط است. با توجه به اینکه ارزیابی میزان اهمیت بسترهای خطر قلب متعلق به این گروه، ارتباطی با ویژگی جنسیتی ندارد، انتظار نیست ارتباطی معنادار هم با یکدیگر داشته باشند.

### ۳-۶- اثر سطح تحصیلات حساب‌برسان در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر قلب

حساب‌برسان را از نظر سطح تحصیلات می‌توان در ۴ گروه فوق دیپلم و پایین‌تر، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری دسته‌بندی کرد. مطابق آنچه در نگاره‌ی ۵ مشاهده می‌شود، هیچ یک از پاسخ‌دهندگان در گروه فوق دیپلم و پایین‌تر قرار نگرفتند. میانگین پاسخ ۳ گروه لیسانس، فوق لیسانس و دکتری به ترتیب ۵،۱۵، ۵،۰۷ و ۵،۱۸ است. با توجه به اینکه سطح معناداری ۰،۶۳ شد، می‌توان ادعا کرد سطح تحصیلات اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب ندارد.

نگاره‌ی ۵: اثر سطح تحصیلات در ارزیابی اهمیت بسترهای قلب

ویژگی فردی	طبقه بندی	تعداد میانگین انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
سطح تحصیلات	فوق دیپلم و پایین‌تر	۰	-	
	لیسانس	۲۲۳	۵،۱۵	۰،۷۴
	فوق لیسانس	۹۱	۵،۰۷	۰،۵۹
	دکتری	۲	۵،۱۸	۰،۸۸
			۰،۴۷	۰،۶۳

در نگاره‌ی ۶ نتایج حاصل از آزمون اثر سطح تحصیلات در تعیین اهمیت هر گروه از بسترهای قلب نشان داده شده است. نتایج بیانگر این بود که میانگین پاسخ‌های داده شده در ارزیابی ۲۵ بستر قلب مربوط به گروه ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) توسط حساب‌برسانی که در طبقه لیسانس، فوق لیسانس و دکتری قرار می‌گیرند به ترتیب برابر با ۵،۱۸، ۵،۱۳ و ۵ است. با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با ۰،۷۸۹ شد، علی‌رغم وجود تفاوت در میانگین‌ها می‌توان ادعا کرد سطح تحصیلات در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب مربوط به گروه ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) اثری معنادار ندارد. مطابق آنچه در نگاره‌ی ۶ مشاهده می‌شود، برای ۴ بستر قلبی که در گروه ((وضعیت صنعت)) قرار دارند به دلیل اینکه سطح معناداری برابر با ۰،۳۷ شد، می‌توان ادعا کرد سطح تحصیلات در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب مربوط به گروه ((وضعیت صنعت)) اثری معنادار ندارد. علاوه بر این، نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان داد سطح تحصیلات در تعیین اهمیت ۲۴ بستر قلبی که مربوط به گروه ((ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی)) است، به دلیل اینکه سطح معناداری برابر با ۰،۳۲۱

شد، اثری معنادار ندارد. در تعیین اهمیت ۸ بستر تقلب متعلق به گروه ((سوء استفاده از دارایی‌ها)) به دلیل اینکه سطح معناداری ۰,۵۸۹ شد، می‌توان ادعا کرد سطح تحصیلات در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب اثری معنادار ندارد.

نگاره ۶: اثر سطح تحصیلات در ارزیابی اهمیت هر گروه از بسترهای تقلب

سطح معناداری	گروه	تعداد بستر	تعداد پاسخ‌ها	تعداد پاسخ‌های صحیح	نرخ موفقیت	آماره f
۰,۷۸۹	ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی	۲۵	۱۹۱	۸۵	۰,۵۷۰	۰,۲۳۷
				۲	۰,۷۳۵	
				۵		
۰,۳۷۰	وضعیت صنعت	۴	۱۹۴	۸۳	۰,۸۵۸	۰,۹۹۸
				۲	۰,۵۳۰	
				۵,۰۳		
۰,۳۲۱	ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی	۲۴	۲۱۸	۹۰	۰,۶۴۵	۱,۱۴۱
				۲	۰,۸۸۱	
				۵,۱۴		
۰,۵۸۹	سوء استفاده از دارایی‌ها	۸	۲۲۱	۹۰	۰,۷۳۱	۰,۵۳۱
				۲	۱,۵۰	
				۵,۰۵		

دلیل اصلی نتایج فوق، وجود نداشتن آموزش‌های اضافی در حوزه موضوعات مرتبط با تقلب در سطوح بالاتر تحصیلی است و همین امر ممکن است عاملی باشد تا بین تشخیص حساب‌برسان با تحصیلات متفاوت، در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر تقلب تفاوتی معنادار وجود نداشته باشد. حتی با فرض وجود آموزش‌های مناسب در سطوح بالاتر، دلیل دومی که می‌توان بیان کرد این است که به دلیل واضح و آشکار بودن اهمیت بسترهای خطر تقلب، بین نظر حساب‌برسان با تحصیلات متفاوت در ارزیابی اهمیت بسترهای مذکور تفاوت زیادی وجود ندارد. به طور خلاصه می‌توان گفت سطح تحصیلات اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب ندارد. حامدیان (۱۳۸۸) که در تحقیق خود به بررسی اثر سطح تحصیلات در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب مربوط به استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ آمریکا پرداختند، به این نتیجه رسیدند که سطح تحصیلات اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب ندارد.



#### ۶-۴- اثر رشته تحصیلی حساب‌برسان در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر تقلب

حساب‌برسان را از نظر رشته تحصیلی می‌توان در ۳ گروه حسابداری، مدیریت و اقتصاد دسته‌بندی کرد. مطابق آنچه در نگاره‌ی ۷ مشاهده می‌شود، میانگین پاسخ ۳ گروه در ارزیابی اهمیت بسترهای تقلب به ترتیب ۵,۱۲، ۵,۲۱ و ۵,۴۲ است. با توجه به اینکه سطح معناداری ۰,۷۳ شد، می‌توان ادعا کرد رشته تحصیلی اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب ندارد.

نگاره‌ی ۷: اثر رشته تحصیلی در ارزیابی اهمیت بسترهای تقلب

ویژگی فردی	طبقه‌بندی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
حسابداری	۲۹۴	۵,۱۲	۰,۷۱			
مدیریت	۲۰	۵,۲۱	۰,۶۰	۰,۳۱		۰,۷۳
اقتصاد	۲	۵,۴۲	۰,۱۰			

در نگاره‌ی ۸ نتایج حاصل از آزمون اثر رشته تحصیلی در ارزیابی اهمیت هر گروه از بسترهای تقلب نشان داده شده است. نتایج نشان داد میانگین پاسخ‌های داده شده در ارزیابی ۲۵ بستر تقلب مربوط به گروه ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) توسط حساب‌برسانی که در دسته حسابداری، مدیریت و اقتصاد قرار می‌گیرند به ترتیب برابر با ۵,۱۵، ۵,۲۴ و ۵,۵۲ است. با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با ۰,۶۳۶ شد، می‌توان ادعا کرد رشته تحصیلی حساب‌برسان در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب مربوط به گروه ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) اثری معنادار ندارد.

مطابق آنچه در نگاره‌ی ۸ مشاهده می‌شود، برای ۴ بستر تقلبی که در گروه ((وضعیت صنعت)) قرار دارند، به دلیل اینکه سطح معناداری برابر با ۰,۶۶۸ شد، می‌توان ادعا کرد که رشته تحصیلی در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب مربوط به گروه ((وضعیت صنعت)) اثری معنادار ندارد. علاوه بر این، نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان داد رشته تحصیلی در تعیین اهمیت ۲۴ بستر تقلبی که مربوط به گروه ((ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی)) است، به دلیل اینکه سطح معناداری برابر با ۰,۹۱۴ شد، اثری معنادار ندارد. در تعیین اهمیت ۸ بستر تقلب متعلق به گروه ((سوء استفاده از دارایی‌ها))، به دلیل اینکه سطح معناداری ۰,۵۳۶ شد، می‌توان ادعا کرد که رشته تحصیلی در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب اثری معنادار ندارد.

نگاره ۸: اثر رشته تحصیلی در ارزیابی اهمیت هر گروه از بسترهای تقلب

گروه	تعداد بستر	رشته تحصیلی	تعداد پاسخ‌ها	پس‌بین پاسخ‌ها	تفریق معیار	آماره f	سطح معناداری
ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی	۲۵	حسابداری	۲۹۴	۵,۱۵	۰,۶۷۶	۰,۴۵۴	۰,۶۳۶
		مدیریت	۲۰	۵,۲۴	۰,۵۰۸		
		اقتصاد	۲	۵,۵۲	۰,۰۵۶		
وضعیت صنعت	۴	حسابداری	۲۹۴	۵,۱۰	۱,۰۱	۰,۴۰۴	۰,۶۶۸
		مدیریت	۲۰	۵,۰۸	۱,۰۲		
		اقتصاد	۲	۵,۷۵	۱,۰۳		
ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی	۲۴	حسابداری	۲۹۴	۵,۱۳	۰,۷۹۲	۰,۰۹	۰,۹۱۴
		مدیریت	۲۰	۵,۱۸	۰,۷۲۲		
		اقتصاد	۲	۵,۳۳	۰,۰۵۸		
سوء استفاده از دارایی‌ها	۸	حسابداری	۲۹۴	۵,۰۲	۰,۹۳۰	۰,۶۲۴	۰,۵۳۶
		مدیریت	۲۰	۵,۲۵	۰,۷۶۳		
		اقتصاد	۲	۵,۱۸	۰,۴۴۱		

به طور خلاصه می‌توان گفت رشته تحصیلی اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب ندارد. در واقع، واضح بودن اهمیت بسترهای خطر تقلب برای حساب‌برسان و نزدیک بودن محتوای دروس این سه رشته تحصیلی ممکن است دلایلی معقول برای توجیه این نتیجه باشد. حامدیان (۱۳۸۸) که در تحقیق خود به بررسی اثر رشته تحصیلی در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب مربوط به استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ امریکا پرداختند، به این نتیجه رسیدند که رشته تحصیلی اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب ندارد.

#### ۶-۵- اثر تجربه حساب‌برسان در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر تقلب

حساب‌برسان را از نظر میزان تجربه حسابرسی می‌توان در ۶ گروه کمتر از ۵ سال، بین ۵ تا ۱۰ سال، بین ۱۰ تا ۱۵ سال، بین ۱۵ تا ۲۰ سال، بین ۲۰ تا ۲۵ سال و بیشتر از ۲۵ سال دسته‌بندی کرد. مطابق آنچه در نگاره ۹ مشاهده می‌شود، میانگین پاسخ ۶ گروه در ارزیابی اهمیت بسترهای تقلب به ترتیب ۵,۱۵، ۵,۱۲، ۵,۰۹، ۵,۱۶، ۵,۱۲ و ۵,۰۷ است.

با توجه به اینکه سطح معناداری ۰,۹۹ شد، می‌توان ادعا کرد که تجربه، اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب ندارد.

نگاره‌ی ۹: اثر تجربه حسابرسی در ارزیابی اهمیت بسترهای قلب

ویژگی فردی	طبقه بندی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معناداری
	کمتر از ۵ سال	۱۱۰	۵,۱۵	۰,۶۱		
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۸۶	۵,۱۲	۰,۸۷		
تجربه کاری	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۲۲	۵,۰۹	۰,۷۳	۰,۰۹	۰,۹۹
	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۴۰	۵,۱۶	۰,۶۱		
	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	۳۶	۵,۱۲	۰,۶۶		
	بیشتر از ۲۵ سال	۲۲	۵,۰۷	۰,۶۰		

در نگاره‌ی ۱۰، نتایج حاصل از آزمون اثر تجربه در ارزیابی اهمیت هر گروه از بسترهای قلب نشان داده شده است. نتایج نمایانگر این بود که میانگین پاسخ‌های داده شده در ارزیابی ۲۵ بستر قلب مربوط به گروه ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) توسط حساب‌برسانی که کمتر از ۵ سال، بین ۵ تا ۱۰ سال، بین ۱۰ تا ۱۵ سال، بین ۱۵ تا ۲۰ سال، بین ۲۰ تا ۲۵ سال و بیشتر از ۲۵ سال تجربه دارند، به ترتیب برابر با ۵,۱۸، ۵,۱۰، ۵,۱۸، ۵,۱۶، ۵,۱۶ و ۵,۱۲ است. با توجه به اینکه سطح معناداری برابر با ۰,۹۷۰ شد، می‌توان ادعا کرد که تجربه حساب‌برسان در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب مربوط به گروه ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) اثری معنادار ندارد.

نگاره‌ی ۱۰: اثر تجربه در ارزیابی اهمیت هر گروه از بسترهای تقلب

سطح معناداری	آماره f	انحراف معیار	میانگین پاسخ‌ها	فواصل پاسخ‌ها	تجربه	گروه
۰,۹۷۰	۰,۱۷۹	۰,۵۸۸	۵,۱۸	۱۱۰	کمتر از ۵ سال	ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی
		۰,۸۳۶	۵,۱۰	۸۶	بین ۵ تا ۱۰ سال	
		۰,۶۲۶	۵,۱۸	۲۲	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	
		۰,۵۵۹	۵,۱۶	۴۰	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	
		۰,۵۷۷	۵,۱۶	۳۶	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	
		۰,۴۷۷	۵,۱۲	۲۲	بیشتر از ۲۵ سال	
۰,۶۴۲	۰,۶۷۵	۰,۹۳۹	۵,۱۹	۱۱۰	کمتر از ۵ سال	وضعیت صنعت
		۱,۰۶	۵,۰۲	۸۶	بین ۵ تا ۱۰ سال	
		۱,۱۰	۵,۱۱	۲۲	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	
		۰,۹۳۷	۵,۱۴	۴۰	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	
		۱,۰۷	۵,۰۳	۳۶	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	
		۱,۰۵	۴,۸۲	۲۲	بیشتر از ۲۵ سال	
۰,۸۸۲	۰,۳۵۱	۰,۷۱۱	۵,۱۶	۱۱۰	کمتر از ۵ سال	ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی
		۰,۹۱۷	۵,۱۴	۸۶	بین ۵ تا ۱۰ سال	
		۰,۷۱۶	۴,۹۶	۲۲	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	
		۰,۶۶۰	۵,۱۶	۴۰	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	
		۰,۷۴۶	۵,۰۷	۳۶	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	
		۰,۷۲۷	۵,۰۵	۲۲	بیشتر از ۲۵ سال	
۰,۸۳۴	۰,۴۲۱	۲,۱۲	۵,۲۴	۱۱۰	کمتر از ۵ سال	سوء استفاده از دارایی‌ها
		۱,۱۹	۴,۹۳	۸۶	بین ۵ تا ۱۰ سال	
		۰,۹۶۶	۵,۰۹	۲۲	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	
		۰,۸۱۲	۵,۱۳	۴۰	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	
		۰,۸۰۵	۵,۱۱	۳۶	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	
		۰,۶۲۳	۵,۰۸	۲۲	بیشتر از ۲۵ سال	

مطابق آنچه در نگاره‌ی ۱۰ مشاهده می‌شود، برای ۴ بستر تقلبی که در گروه ((وضعیت صنعت)) قرار دارند به دلیل اینکه سطح معناداری برابر با ۰,۶۴۲ شد، می‌توان ادعا کرد تجربه حسابرس در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب مربوط به گروه ((وضعیت صنعت))

اثری معنادار ندارد. علاوه بر این، نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان داد که تجربه حساب‌برس در تعیین اهمیت ۲۴ بستر قلبی که مربوط به گروه (( ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی)) است، به دلیل اینکه سطح معناداری برابر با ۰,۸۸۲ شد، اثری معنادار ندارد. در تعیین اهمیت ۸ بستر قلب متعلق به گروه ((سوء استفاده از دارایی‌ها))، به دلیل اینکه سطح معناداری ۰,۸۳ شد، می‌توان ادعا کرد که تجربه حساب‌برس در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب اثری معنادار ندارد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که تجربه حساب‌برسی اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب ندارد. کافی بودن آشنایی اولیه حساب‌برسان با بسترهای خطر قلب و واضح بودن میزان اهمیت بسترهای خطر قلب ممکن است دلیلی معقولانه برای توجیه این باشد که اهمیت بسترهای خطر قلب برای حساب‌برسان با تجربه متفاوت، مشابه است. حامدیان (۱۳۸۸) که در تحقیق خود به بررسی اثر تجربه حساب‌برسی در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب مربوط به استاندارد حساب‌برسی شماره ۹۹ آمریکا پرداختند، به این نتیجه رسیدند که تجربه حساب‌برسی اثری معنادار در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب ندارد، اما مویز گلن (۲۰۰۶ و ۲۰۰۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تجربه در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر قلب مهم و اثرگذار است.

#### ۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این مطالعه، تأثیر ویژگی‌های فردی افراد (نظیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه) را در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر قلب مورد بررسی قرار داد. نتایج بیانگر این بود که هیچ‌کدام از ویژگی‌های جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه، بر روی نظر حساب‌برسان در تعیین میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر قلب، تأثیر زیادی ندارد. این نتایج با نتایج تحقیق حامدیان (۱۳۸۸) و مویز گلن (۲۰۰۶ و ۲۰۰۷) هماهنگی کامل دارد. در این تحقیق، مهمترین بستر خطر قلب از دیدگاه حساب‌برسان ((وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد)) تعیین شد.

علاوه بر این، مقاله حاضر تأثیر ویژگی‌های فردی افراد را در ارزیابی اهمیت هر گروه از بسترهای خطر قلب (نظیر ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی، وضعیت صنعت، ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی، و سوء استفاده از دارایی‌ها) مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که نوع جنسیت فقط در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر قلب مربوط به گروه‌های ((ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی)) و ((ویژگی‌های عملیاتی و

ثبات مالی)) اثری معنادار دارد، اما رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه، در ارزیابی اهمیت هیچ یک از بسترهای خطر ۴ گروه، اثری معنادار ندارد. با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر نشان داد ویژگی‌های فردی حسابرسان تأثیری بر برداشت حسابرسان نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب ندارد، لذا به مدیران ارشد حسابرسی توصیه می‌شود این موضوع را در فرایند تقسیم کارهایی از حسابرسی که در ارتباط با خطرات تقلب است مد نظر قرار دهند و اتکای بیش از حد به ویژگی‌های فردی حسابرس نداشته باشند.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به بررسی اثر ویژگی‌های فردی حسابرسان و جامعه دانشگاهی در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب با استفاده از روش‌های آماری تحلیل مسیر پرداخته شود و نتایج آن با مطالعه فعلی مقایسه شود. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود ویژگی‌های فردی حسابرسان داخلی نیز در تعیین اهمیت بسترهای خطر تقلب، مورد بررسی قرار گیرد. تحقیق حاضر همانند سایر تحقیقات پیمایشی با یک سری محدودیت‌ها مواجه بوده است. محدودیت‌های تحقیق عمدتاً مربوط به عواملی هستند که تعمیم‌پذیری نتایج را به نوعی تحت تأثیر قرار می‌دهند. پرسشنامه متکی به حافظه افراد پاسخ‌دهنده است و فقط آنچه را که وی گزارش می‌دهد می‌توان مورد بررسی قرار داد، در حالی که آنچه را پاسخ‌دهنده در عمل انجام می‌دهد ممکن است متفاوت با مواردی باشد که ذکر می‌کند. تعداد زیاد سؤالات پرسشنامه این پژوهش نیز ممکن است باعث خستگی پاسخ‌دهندگان و در نتیجه کاهش میزان دقت پاسخ‌گویی حسابرسان شود.

#### یادداشت‌ها

1. Ramos
2. Persona
3. Loebbecke & Willingham
4. Lobbecke et al
5. Pincus
6. Zimbelman
7. Abdul Majid et al
8. Gramling & Myers
9. Moyes Glen et al
10. Moyes Glen
11. Richard Riley
12. Wanda Lynn Riley
13. Dennis
14. Hackenbrack

## کتابنامه

### الف) فارسی

- ۱- امین‌زاده ساریخانگللو، رحیم (۱۳۹۰)، رفتارهای شخصیتی (پرسنلی)، دوره مربوط به مهارت‌های اساسی در حسابرسی، دیوان محاسبات کشور، قابل دسترس در سایت: [www.dmk.ir/pdf/raftarhaye\\_shakhsiati.pdf](http://www.dmk.ir/pdf/raftarhaye_shakhsiati.pdf)
- ۲- حامدیان، حامد. (۱۳۸۸). برداشت حسابرسان ایران از کارایی علایم خطر در کشف گزارشگری مالی متقلبان. مجله تحقیقات حسابداری. شماره سوم. ص ۱-۳۶
- ۳- سنجابی، آرش. (۱۳۸۴). شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
- ۴- شیخ، محمد جواد. (۱۳۸۳). بررسی اهمیت شاخص‌های تقلب بالقوه مالی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی در شرکت‌های ایرانی. رساله دکتری حسابداری. دانشگاه تهران. دانشکده مدیریت.
- ۵- فرقاندوست حقیقی، کامبیز و برواری، فرید (۱۳۸۸)، ((بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت))، مجله دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۱۶، صص ۲۳-۱۸ و ۷۰-۶۵.
- ۶- فرقاندوست حقیقی، کامبیز و عبدلهی، مجید (۱۳۸۷)، ((کاربرد سیستم فازی در کشف تقلب))، دومین کنگره سیستم‌های فازی و هوشمند، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- ۷- کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۸۵). استانداردهای حسابرسی. تهران. انتشارات سازمان حسابرسی. چاپ هشتم. ص ۲۸۰-۳۲۰.

ب) انگلیسی

- 8- Abdul Majid G, Tsui J. (2001). An analysis of hong kong auditors perceptions of the importance of selected red flag factors in risk assessment. *Journal of Business Ethics*; 32: 263-77.
- 9- Dennis FD. (2009). Auditing for fraud or what does fraud look like. *Middle Management Conference Nashville, TN*.
- 10- Gramling A, Mayers P. (2003). Internal auditors assessment of fraud warning signs: implications for external auditors. *The CPA Journal*; 73(6):20-4.
- 11- Hackenbrack, k. (1993). "The effect experience with different sized clients on auditor evaluations of fraudulent financial reporting indicators". *Auditing: a journal of practice & theory*(spring): 99-110.
- 12- Loebbecke J and Willingham J. (1988). Review of SEC and auditing enforcement releases. *Unpublished Working Paper*.
- 13- Loebbecke J, Eining M, and Willingham J. (1989). Auditors' experience with material irregularities: frequency, nature, and detectability. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*; 8:1-28.
- 14- Moyes Glen D, Et Al. (2006). Internal auditors perceptions of the effectiveness of red flags to detect fraudulent financial reporting. *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy*;6(1).
- 15- Moyes Glen D. (2007). The differences in perceived level of fraud-detecting effectiveness of sas no.99 red flags between external and internal auditors. *Journal of Business & Economics Research*;5(6).
- 16- Pincus K. (1989). The efficacy of a red flags questionnaire for assessing the possibility of fraud. *Accounting, Organizations And Society*;14:153-163.



- 17- Ramos M. (2003), "Auditors Responsibility for Fraud Detection", Journal of Accountancy, 195, 1:ABI/INFORM Global, pp.28-36.
- 18- Richard A, Riley D. (2008). Fraud and forensic accounting the basics. Economic Crime Institute.
- 19- Wanda L. (2008). Fraud: what's it all about? audit and advisory services. Ethics And Fraud In The Workplace.
- 20- Zimbelman M. (1997). The effects of sas no. 82 on auditors' attention to fraud risk factors and audit planning decisions. Journal of Accounting Research; 35 :75-97.